

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: 1399/10/07

موضوع: طرح شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) مُخل وحدت یا ملاک حقیقت

ویژه برنامه صدیقه شهیده

فهرست مطالب این برنامه:

آیا کسی هست به این سؤالات ما پاسخ بدهد!؟

حضرت زهرا (سلام الله علیها) ملاک حقانیت شیعه و مکتب اهل بیت (علیهم السلام)

ما به این شرط حاضریم مراسم ایام فاطمیه را حذف کنیم!!

روایت صحیح «بلاذری» در به آتش کشیدن خانه حضرت زهرا (سلام الله علیها)

تماس بینندگان برنامه

اتفاقی عجیب در مسیر هجرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از مکه به مدینه!

آیا طرح شهادت حضرت زهرا مُخل وحدت است یا این رفتارهای خلیفه دوم!!؟

مجری:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله

الطاهرین

شبهه باد وقتی یاس پرپر را نمی فهمد

تبر افتادن سرو و سنوبر را نمی‌فهمد

چه فرقی می‌کند شمشیر باشد یا غلاف اصلاً

که ظالم حرمت دخت پیمبر را نمی‌فهمد

مرا مانند آتش نه تصور کن مرا چون دود

که فرق چوب‌های خشک با تر را نمی‌فهمد

مرا مانند تابوتی تصور کن که شب هنگام

دلیل شانه لرزان حیدر را نمی‌فهمد

کسی که پشت در حتی نفهمیده است محسن را

یقیناً بین صحرا حال اصغر را نمی‌فهمد

قنوتم گرم آمین است در الجار ثم الدار ولی

عجل وفاتی‌های مادر را نمی‌فهمد

عرض سلام و ادب و احترام داریم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر».

امشب شب سختی است، شب عزای مسلمین. آجرک الله یا بقیة الله! شب سختی بر حضرت صاحب الزمان

(ارواحنا فداه) است.

عرض تسلیت دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر». تسلیت

شهادت بانوی دو عالم حضرت صدیقه کبری (سلام الله علیها).

ان شاء الله که امشب هم بتوانیم در این «ویژه برنامه صدیقه شهیده» قدری خودمان را نزدیک کنیم و قدری معرفت پیدا کنیم به آن وجود نورانی و نازنین تا ان شاء الله بتوانیم بهره مند شویم و نهایتاً شامل شفاعت آن بزرگوار باشیم.

امشب هم در خدمت استاد بزرگوار حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی هستیم و ان شاء الله حتماً از محضر ایشان بهره مند خواهیم شد. سلام علیکم و رحمة الله؛

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که در هرکجای این کره خاکی بیننده این برنامه هستند و ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قرار دادند، خالصانه‌ترین سلام را تقدیم می‌کنم و موفقیت روزافزون برای همه شما گرامیان آرزومندم.

شهادت تنها یادگار نبی گرامی اسلام أم الائمة النجباء، حضرت صدیقه طاهره و صدیقه شهیده را هم به پیشگاه مقدس مولایمان حضرت بقية الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همه علاقه مندان به اهل بیت عصمت و طهارت و شما بینندگان عزیز و همه کسانی که تکرار و کلیپ‌های برنامه را می‌بینند، تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم.

امشب بنا به نقل هفتاد و پنج روز بعد از رحلت جانگداز نبی گرامی اسلام، حضرت فاطمه زهرا به شهادت رسید.

امشب شب شهادت آن بزرگوار و آخرین شبی است که با امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین و زینب و أم کلثوم زندگی می‌کند.

حضرت به همسر و فرزندان خود نگاه می‌کند، شاید به عنوان آخرین نگاهش به امیرالمؤمنین و مظلومیت و غربت آن بزرگوار و داغ دل و سوز جگر آن حضرت و اشک‌های چشمان فرزندانش نگاه می‌کند و می‌سوزد.

یکی از شعرا شعری مناسب خداحافظی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از فرزنداناش دارد که بنده خیلی دوست دارم این شعر را به مناسبت امشب بخوانم.

علی جان ز کارم گره وا شده * شب آخر عمر زهرا شده

دل آسوده کن از ملالم علی * حلالم کن آقا حلالم علی

خداحافظی می‌کنم با همه * که باشد مرا بر لب این زمزمه

خداحافظ ای مجتبی نور عین * خداحافظ ای هستی من حسین

خداحافظ ای مهربان زینبم * ز بی تابی تو به تاب و تبم

خداحافظ ای دخت مغموم من * خداحافظ ای أم کلثوم من

خداحافظ ای دردها داغها * خداحافظ ای شهر نامردها

خداحافظ ای آسمان ماه نو * خداحافظ ای سفره نان جو

خداحافظ ای درب افروخته * خداحافظ ای جامه سوخته

خداحافظ ای ماجرای فدک * خداحافظ ای کوچه سیلی کتک

ألا لعنة الله على القوم الظالمين و سيعلم الذين ظلموا أی منقلب ينقلبون

مجری:

طیب الله أنفساکم، لطف فرمودید. حاج آقا می‌خواهیم در ادامه جلسات پیشین به سیری که الحمدلله این توفیق را داشتیم و همه بینندگان هم شاهد بودند، پردازیم.

همانطور که در تمامی جلسات از ابتدای برنامه «حبل المتین» و بعد از آن در همین ویژه برنامه‌ها همه بینندگان ملاحظه می‌فرمودند، بنای حضرتعالی بر درایت در روایات بود. حضرتعالی بارها و بارها تصریح کردید که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فرمودند:

«هِمَّةُ الشُّفَهَاءِ الرَّوَايَةُ وَ هِمَّةُ الْعُلَمَاءِ الدَّرَايَةُ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 2،

ص 160، ح 13

اگر ما بخواهیم در ادامه بحث‌های قبلی تحلیلی داشته باشیم در این موضوع و این مطلب که آیا جریان هجوم ذکر شده است؟! آیا ذکر شده است که کیفیت آن در کتب شیعه و اهل سنت به چه نحو بوده است؟!

حضرتعالی همانطور که خطبه‌های «نهج البلاغه» را تحلیل می‌فرمودید و همانطور که بینندگان عزیز با مطالب آشنایی دارند، همانطور هم بازگویی تحلیلی‌ها را نسبت به جریان هجوم انجام بدهید که بسیار استفاده می‌کنیم و بهره مند می‌شویم.

آیا کسی هست به این سؤالات ما پاسخ بدهد؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسیما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله أفضو أمری إلى الله إن الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر ماشاء الله لا حول و لا قوة إلا بالله

همانطور که حضرتعالی اشاره کردید، یکی از مسائلی که قطعی است و در منابع اهل سنت با سندهای صحیح و معتبر آمده است و بسیاری از علمای اهل سنت و وهابیت را وادار کرده است که نسبت به این روایات موضع گیری کنند، قضیه هجوم به خانه حضرت زهرا (سلام الله علیها) است.

علمای اهل سنت و وهابیت مجبورند به این روایات یا از نظر سندی اشکالی وارد کنند یا از نظر دلالتی اشکال کنند، اما:

(يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ)

آن‌ها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند، ولی خدا نور خود را کامل می‌کند.

سوره صف (61): آیه 8

این سندها، سندهایی نیست که بشود با بعضی از توهّمات آنها را مخدوش کرد. ما در جلسه گذشته دو روایت از آقای «طبری» و «ابن ابی شیبّه» استاد «بخاری» نقل کردیم.

ما در تحلیل این روایات اشاره داشتیم که آقای «طبری» در کتاب «تاریخ» خود جلد دوم صفحه 233 می‌گوید:

«قال أتى عمر بن الخطاب منزل على وفيه طلحة والزبير ورجال من المهاجرين»

عمر بن خطاب در خانه علی بن ابی طالب آمد، در حالی که در درون خانه طلحه و زبیر و شخصیت‌هایی از مهاجرین بودند.

«فقال والله لأحرقن عليكم أو لتخرجن إلى البيعة»

عمر بن خطاب گفت: به خدا سوگند یا این خانه را به آتش می‌کشم یا برای بیعت با ما می‌آیید.

تاریخ الطبری، اسم المؤلف: لأبی جعفر محمد بن جریر الطبری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت،

ج 2، ص 233، باب ذکر الأخبار الواردة بالیوم الذی توفی فیہ رسول الله ومبلغ سنه یوم وفاته

ما در خصوص این روایت گفتیم که این روایت چندین پیام و نکته دارد. پیام اول این است که آیا حرمت صحابه را خود صحابه باید نگهدارند یا خیر؟! آیا علی بن ابی طالب و «طلحه» و «زبیر» و شخصیت‌هایی از مهاجرین، صحابه هستند یا خیر؟!

صحابه چه گناهی مرتکب شدند که باید مستحق این باشند که باید آنها را در آتش سوزاند و خانه را آتش زد؟! اگر فرد دیگری چنین عبارتی را به زبان بیاورد، علمای بزرگ اهل سنت نسبت به آنها چه موضعی می‌گیرند؟! در خصوص اینکه آیا صحابه برای بیعت آمدند یا خیر، ما روایاتی از کتاب «صحیح بخاری» جلد پنجم صفحه 82 حدیث 4240 و کتاب «صحیح مسلم» روایاتی نقل کردیم مبنی بر اینکه صحابه تا شش ماه بیعت نکردند. آیا جناب خلیفه دوم به خاطر حنث قسم، کفاره‌ای هم داد یا خیر؟! ما روایت را بررسی سند کردیم و گفتیم که تمام راویانی که در اینجا هستند، همگی بالاتفاق مورد وثوق آقایان اهل سنت هستند.

روایت دوم را از «ابن ابی شیبہ» آوردیم. ایشان مقدم بر «طبری» است. «طبری» متوفای 310 هجری است، اما «ابن ابی شیبہ» متوفای 235 هجری است.

ایشان هم همین تعبیر را دارد که وقتی خلیفه دوم در خانه حضرت صدیقه طاهره آمد، با حضرت فاطمه زهرا مواجه شد. او قسم یاد کرد که اگر صحابه در اینجا اجتماع کنند، خانه را به آتش خواهد کشید!

صحابه برای چه کاری اجتماع کرده بودند؟! آیا آنها برای کشتن کسی اجتماع کردند؟! آیا صحابه برای ایجاد فتنه اجتماع کردند؟! آیا صحابه در خانه امیرالمؤمنین اجتماع کرده بودند تا در جامعه ایجاد فتنه کنند و تفرقه افکنی کنند؟! قضیه چه بوده است؟!

اگر واقعاً صحابه برای ایجاد فتنه و تفرقه جمع شده بودند، اشکال بر آنهاست. صحابه و جمع شدن برای فتنه با عدالت صحابه سازگار نیست.

از طرفی دیگر اگر صحابه جمع شدند برای اینکه ببینند الآن خلافتی که به زور ابوبکر را با تعبیری که آقایان اهل سنت دارند نظیر تعبیری که عایشه دارد و می‌گوید:

«لَقَدْ حَوَّفَ عُمَرُ النَّاسَ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 3، ص 1341، ح 3467

و در میان مردم ترس و وحشت انداختند و مردم را به زور وادار کردند تا با ابوبکر بیعت کنند. ما از جوانان و تحصیل کردگان اهل سنت و شیعه می‌خواهیم تاریخ را خوب و منصفانه مطالعه کنند.

بنده از جوانان شیعه و اهل سنت تقاضا دارم با تعصب مذهبی به تاریخ نگاه نکنند و آنچه در ذهن دارند را بر تاریخ تحمیل نکنند. جوانان باید ببینند تاریخ حقایق را چگونه بیان کرده و این حقایق را چگونه بیان کرده‌اند در ذهنشان قرار دهند.

ما صد بار به دنیا نمی‌آییم که دائماً برویم و برگردیم و تجربه داشته باشیم و بخواهیم کاری انجام دهیم.

ما یک بار به دنیا آمدیم و یک بار هم از دنیا خواهیم رفت. اگر چنانچه مسیرمان مسیر غلطی باشد، دیگر پشیمانی‌ها و ندامت‌ها هیچ فایده‌ای به حال ما نخواهد داشت. ما هرچقدر التماس کنیم و بگوییم متوجه نشدیم، همانطور که قرآن کریم می‌فرماید:

(رَبِّ اِزْجِعُونِ لَعَلِّيْ اَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ)

پروردگار من! مرا باز گردانید! شاید در آنچه ترک کردم (و کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام دهم.

در جواب ما می گویند:

(كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا)

(به او می گویند) چنین نیست، این سخنی است که او به زبان می گوید (و اگر باز گردد برنامه اش همچون سابق است).

سوره مؤمنون (23): آیات 99 و 100

به ما می گویند که وقت شما تمام شد و رفت. ما فرصت زیادی به شما داده بودیم تا تحقیق و بررسی کنید، اما نکردید. این مطالب را افرادی به گوشتان رساندند، اما اهمیت ندادید.

خلیفه دوم در روایت بعد هم می گوید که اگر صحابه در اینجا اجتماع کنند، من خانه را آتش می زنم و آنها را می سوزانم.

آیا سوزاندن چند نفر از صحابه مجوز شرعی دارد؟! آیا آیه ای از قرآن کریم در این زمینه داریم؟! آیا روایتی در این زمینه داریم؟! آیا رسول گرامی اسلام برای کفار حتی کفار حربی چنین موضعی داشتند یا خیر؟!

علی بن ابی طالب هم یکی از خلفاست. تعدادی از افراد همانند «عبدالله بن عمر» و «حسان بن ثابت» و عده زیادی از صحابه با امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بیعت نکردند. آیا امیرالمؤمنین به خانه آنها حمله کرد و فرمود به خاطر اینکه بیعت نکردید خانه را بر سر شما به آتش می کشم؟!

آیا امیرالمؤمنین خانه های کسانی که بیعت کردند سپس بیعت خود را شکستند را به آتش کشید یا آنها به بصره آمدند و فتنه درست کردند؟! بعد از ایجاد فتنه از سوی آنها امیرالمؤمنین به بصره رفت و فتنه را از بین برد.

روایت سومی هم مطرح شد که ما آن را هم بررسی سندی کردیم و روشن کردیم که سند آن هیچ مشکلی ندارد.

آقای «حسن بن فرحان مالکی» در کتاب «قراءة في كتب العقائد» مفصل مطرح می‌کند که این روایت کاملاً صحیح است. «حسن حسینی» در کتاب «موسوعة الحسن و الحسين» هم همین نظر را دارد.

همچنین «سعد بن ناصر» و «علی محمد صلابی» و دیگر آقایان بر این عقیده هستند که این روایت کاملاً صحیح است و اشکالی ندارد. آقای «حسن بن فرحان مالکی» که یکی از علمای بزرگ عربستان سعودی است، می‌گوید:

«كنت أظن المداهمة مكذوبة لا تصح»

تصور می‌کردم ماجرا هجوم به خانه حضرت زهرا ساخته و پرداخته عده‌ای افراد و دروغ پردازی است.

«حتى وجدت لها أسانيد قوية منها ما أخرجه ابن أبي شيبة في المصنف»

تا زمانی که سندهای قوی برای این قضیه پیدا کردم که از جمله آنها قول ابن ابی شیبیه است که در کتاب مصنف خود با سند صحیح از اسلم غلام عمر بن خطاب و غیر از آن آورده است.

«كن ليس كما يببالغ غلاة الشيعة وليس كما ينفي غلاة الحنابلة»

ما با غلات شیعه کاری نداریم و همچنین با غلات حنابله هم کاری نداریم.

قراءة في كتب العقائد، المذهب الحنبلي نموذجاً، تأليف: حسن بن فرحان المالكي، مركز الدراسات

التاريخية؛ ص 61

ایشان می‌گوید که این سند صحیح است و ماجرای هجوم واقع شده است. همچنین «عبد المنعم» و «ابو یاسر» همین عقیده را دارند. ده الی دوازده نفر از بزرگان اهل سنت این روایت را نقل و تصحیح کردند.

مجری:

روحیه‌ای که ما از این علما سراغ داریم این است که آنها با روایت شدیداً محافظه کارانه برخورد می‌کردند، اما نتوانستند این روایت را کتمان کنند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله، این افراد همگی این مباحث را مطرح می‌کنند. در مقابل، بعضی افراد هم نتوانستند این قضیه را نقل کنند.

به عنوان مثال «صفدی» در کتاب «الوافی بالوفیات» می‌خواهد این قضیه را به نوعی تحریف کند و عبارت‌هایی می‌آورد که فعلاً ما نمی‌خواهیم زیاد روی این قضیه وقت بگذاریم.

بعد از نقل روایت اول از «تاریخ طبری» و روایت دوم از «مصنف» اثر «ابن ابی شیبیه» در جلسه گذشته، سومین روایت در کتاب «أنساب الأشراف» اثر آقای «بلاذری» است. «بلاذری» متوفای 270 هجری است و این بدان معناست که ایشان بازهم مقدم بر «طبری» است، اما متأخر از «ابن ابی شیبیه» است.

ایشان تقریباً معاصر «بخاری» و «مسلم» است. «بخاری» متوفای 256 هجری است، «مسلم» متوفای 261 هجری است و «بلاذری» هم متوفای 270 هجری است و باهم در یک عصر بودند.

ما کاری نداریم، ایشان سند ذکر کرده است. «نحن ابناء السند»، «نحن ابناء الدلیل»! وقتی سند صحیح باشد، دیگر هیچ حرفی برای گفتن باقی نمی‌ماند. ایشان در کتاب «أنساب الأشراف» جلد اول این روایت را مطرح می‌کند.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) ملاک حقانیت شیعه و مکتب اهل بیت (علیهم السلام)

یکی از کسانی که بحث آتش زدن خانه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را زیر سؤال برده است، «سهیل زکار» محقق این کتاب است. ما در طول تاریخ روایات زیادی داریم.

ان شاءالله اگر رسیدیم در فاطمیه اول در شب جمعه آن را عرض می‌کنیم و اگر فرصت نشد در فاطمیه دوم تمام مدارک را در چند محور بررسی می‌کنیم.

ما بررسی خواهیم کرد که آیا درب خانه حضرت فاطمه زهرا آتش گرفت یا نگرفت. همچنین بررسی خواهیم کرد که آیا در این خصوص سند صحیحی داریم یا نداریم و این قضیه تنها ادعاست.

ما بررسی خواهیم کرد که یا سند صحیح و معتبری مبنی بر کتک زدن حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) داریم یا خیر. همچنین بررسی می‌کنیم که آیا پهلوی حضرت فاطمه زهرا شکسته شد یا نشد. آیا حضرت محسن سقط شد یا خیر.

ما حدود چهل روایت در این زمینه داریم. این‌ها یکی دو روایت نیستند که ما بخواهیم به آن اشکال سندی و دلالی کنیم. ما همچنین بررسی خواهیم کرد که آیا سینه حضرت صدیقه طاهره مورد ضرب و جرح قرار گرفت یا خیر.

آیا واژه شهادت در رابطه با حضرت فاطمه زهرا در کتب اهل سنت و شیعه قدیما و جدیداً آمده است یا خیر؟! ما از آقایان وهابی توقعی غیر از انکار این مسائل نداریم. حضرت فاطمه زهرا ملاک و معیار حقانیت شیعه است.

اهل سنت داخل کشور این همه تلاش کردند در زمان امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) و حتی بعد از آن بزرگوار در زمان مقام معظم رهبری مراسم‌های دهه فاطمیه را تعطیل کنند، زیرا که معتقد بودند برگزاری ایام فاطمیه با وحدت سازگار نیست.

حال سؤال اینجاست که آیا مقام معظم رهبری و مراجع عظام تقلید به این ادعا گوش دادند یا خیر؟!

بنده قبل از این برنامه عزیزمان «حاج آقا صدیقی» در محضر مقام معظم رهبری روضه حضرت فاطمه زهرا را میخواندند. ایشان خیلی بی پرده صحبت می‌کردند.

ما هیچگاه چنین تعبیری به زبان نمی‌آوریم که ایشان در محضر مقام معظم رهبری این تعبیر را در رابطه با هجوم به خانه حضرت فاطمه زهرا و ضرب و شتم و شکستن پهلوی حضرت فاطمه زهرا مطرح کردند.

بعضی از آقایان تقریبی تخریبی بسیار تلاش کردند طرحی بریزند تا مراجع عظام تقلید را متقاعد کنند که ما دست از ایام فاطمیه برداریم، زیرا که فاطمیه با وحدت سازگار نیست.

صحبت از ایام فاطمیه عملکرد صحابه و خلفا را زیر سؤال می‌برد و با عدالت صحابه سازگار نیست، اما نه مراجع عقب نشینی کردند و نه امام خمینی و نه مقام معظم رهبری عقب نشینی کردند.

ان شاءالله در فاطمیه دوم امسال هم شاهد خواهیم بود که در محضر خود ایشان مداحان و سخنرانان در رابطه به شهادت حضرت فاطمه زهرا واقعیات را مطرح خواهند کرد.

مراجع عظام تقلید نه تنها از برگزاری مراسمات ایام فاطمیه عقب نشینی نکردند، بلکه باعث شدند که روز شهادت حضرت فاطمه زهرا تعطیل رسمی شود. حضرت فاطمه زهرا ملاک حقانیت شیعه و معیار تشخیص حق و باطل است. وقتی پیغمبر اکرم می‌فرماید:

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي»

فاطمه پاره وجود من است.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار
ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 3، ص
1361، ح 3510

این روایت در کتب صحاح اهل سنت با سندهای متعدد آمده است. ما بارها برای آقایان نقل کردیم که در
کتاب «صحيح بخارى» و «صحيح مسلم نقل شده است که پیغمبر اکرم می‌فرماید: فاطمه پاره وجود من
است.

فرمایش رسول گرامی اسلام بدان معناست که بعد از من قول فاطمه قول من است، رفتار فاطمه رفتار من
است، گفتار فاطمه گفتار من است.

چرا رسول اکرم این تعبیر را نسبت به «زینب» دختر بزرگشان همسر «عمر بن عاص» مطرح نکردند؟! چرا
حضرت این عبارت را در رابطه با «رقيه» و «أم كلثوم» همسران «عثمان» که قبل از آن هردو عروس «ابولهب»
بودند، به کار نبردند؟!

چرا رسول گرامی اسلام این عبارت را نسبت به پسرانشان «ابراهیم»، «قاسم»، «طیب» و «طاهر» به کار
نبردند؟!

ما قبلاً مطالبی از «ألوسی» و «بدر الدین عینی» آوردیم که می‌گویند پیغمبر اکرم هشت فرزند داشت، اما از
میان این هشت فرزند عبارت «بَضْعَةٌ مِنِّي» تنها نسبت به حضرت فاطمه زهرا نقل شده است.

پیغمبر اکرم می‌خواهد برای بعد از خودش که امت دچار اختلاف می‌شود، قضایا را روشن کرده باشد. رسول
گرامی اسلام می‌فرماید:

«وَتَفْتَرِقُ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ مِلَّةً كُلَّهُم فِي النَّارِ إِلَّا مِلَّةً وَاحِدَةً»

بعد از من امت من به هفتاد و سه فرقه تقسیم می‌شوند. همه آنها در آتش هستند، الا یک فرقه.

الجامع الصحيح سنن الترمذی، اسم المؤلف: محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذی السلمی، دار النشر:

دار إحياء التراث العربی - بیروت -، تحقیق: أحمد محمد شاکر وآخرون، ج 5، ص 26، ح 2641

حضرت نمی‌فرماید این اختلاف صد سال یا هزار سال بعد می‌افتد، بلکه می‌فرماید که بعد از وفات من امت دچار اختلاف می‌شوند. کلمه هفتاد و سه نشان از کثرت است و چنین نیست که حتماً هفتاد و سه فرقه باشد و هفتاد و چهار فرقه نباشد!! مثل آیه:

(إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ)

(حتی) اگر هفتاد بار برای آنها استغفار کنی هرگز خداوند آنها را نمی‌آمرزد.

سوره توبه (9): آیه 80

معنای این آیه این نیست که اگر هشتاد مرتبه استغفار کنی، خداوند متعال آنها را می‌بخشد! مراد از فرمایش قرآن کریم این است که هرچه زیاد هم استغفار کنید، خداوند متعال آنها را نمی‌بخشد.

پیغمبر اکرم هم در این روایت می‌فرماید که امت من بعد از رحلت من دچار اختلاف زیادی خواهند شد و هرکسی به دنبال چیزی می‌رود.

حضرت فاطمه زهرا پاره وجود پیغمبر اکرم است. ما باید ببینیم که حضرت بعد از شهادت رسول گرامی اسلام نسبت به امیرالمؤمنین چه موضع‌گیری داشتند یا نسبت به خلیفه وقت چه موضع‌گیری داشتند.

در کتاب «صحيح مسلم» جلد 3 صفحه 1478 وایتی از قول پیغمبر اکرم نقل شده است که می‌فرماید:

«وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»

هرکسی بمیرد و بر گردن او بیعتی نباشد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 3، ص 1478، ح 1851

همچنین تعبیر «احمد بن حنبل» در کتاب «مسند» جلد 4 صفحه 96 این است که به صراحت می‌نویسد:

«من مات بغير إمامٍ مات ميتةً جاهليةً»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - مصر، ج 4، ص 96، ح 16922

آقایان جواب بدهند وقتی حضرت فاطمه زهرا هفتاد و پنج روز یا نود و پنج روز یا اصلاً شش ماه بعد از دنیا رفت، با کدام امام بیعت کرده بود و معتقد به کدام امام بود؟!

«من مات بغير إمامٍ مات ميتةً جاهليةً»

طبق این روایت کسی که بدون امام از دنیا برود، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است. این مسائل همگی نشانگر این است که حضرت فاطمه زهرا ملاک حق و باطل است.

بنده افراد زیادی از میان علمای بزرگ و حتی کسانی که تفکرات سلفی و وهابی دارند می‌شناسم که با دیدن روایات مربوط به حضرت فاطمه زهرا جرقه‌ای در ذهنشان ایجاد شد و به سراغ تحقیق و بررسی رفتند و مستبصر شدند و حقیقت را یافتند.

مرکز ابحاث عقائدية حدود پانزده جلد کتاب در رابطه با «موسوعة من حياة المستبصرين» نوشته است. من به دوستان توصیه می‌کنم این کتب را از سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» دانلود و مطالعه کنند.

در سیصد سال اخیر این کتابها در اختیار همگان قرار گرفته است، زیرا نرم افزارها توسعه یافته و کتابها همگی در کامپیوتر و مجازی و اینترنت منتشر شده است.

مشاهده کنید افرادی که این کتابها را دیدند، نسبت به آنها چه حرفهایی دارند. بعضی از این افراد بعد از استبصار با مشکلات عدیده‌ای مواجه شدند، به طوری که بعضی از آنها تا پای قتل هم پیش رفتند، اما دست از اعتقاداتشان برنداشتند.

بنابراین بحث شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و بحث فاطمیه اُس اساس اعتقاد شیعه هست. شیعه تا نفس دارد ایام فاطمیه را برگزار می‌کند. اگر در کره زمین یک نفر شیعه هم باقی مانده باشد، آن یک نفر شیعه ایام فاطمیه عزاداری حضرت فاطمه زهرا را ترک نخواهد کرد.

ما به این شرط حاضریم مراسم ایام فاطمیه را حذف کنیم!!

حرفهایی که بعضی افراد نسبت به تضاد ایام فاطمیه با وحدت مسلمین می‌زنند، حرفهایی بی اساس است. اگر این افراد آیاتی که در مذمت صحابه است را از قرآن کریم حذف کنند، ما هم ایام فاطمیه را حذف می‌کنیم. شما آیاتی مانند:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد درباره آن تحقیق کنید، مبدا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید، و از کرده خود پشیمان شوید.

سوره حجرات (49): آیه 6

یا:

(فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ)

این عمل (روح) نفاق را در دل‌هایشان تا روزی که خدا را ملاقات کنند بر قرار ساخت، این بخاطر آن است که از پیمان الهی تخلف جستند و دروغ گفتند.

سوره توبه (9): آیه 77

یا:

(وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَ تَرَكَوا قَائِمًا)

هنگامی که تجارت یا سرگرمی و لهوی را ببینند پراکنده می‌شوند و به سوی آن می‌روند، و تو را ایستاده به حال خود رها می‌کنند.

سوره جمعه (62): آیه 11

که بالاترین جسارت به نبی گرامی اسلام است را از قرآن کریم حذف کنید، ما هم قول می‌دهیم ایام فاطمیه را تعطیل کنیم. رسول گرامی اسلام بالای منبر مشغول خطبه خواندن است که صحابه، حضرت را رها می‌کنند و به دنبال کارهای خود می‌روند.

شما این آیات را از قرآن کریم حذف کنید، بنده هم قول می‌دهم تا آخر عمرم به هیچ وجه از فاطمیه حرفی نزنم. آیا حاضرید این کار را انجام دهید؟!

بالاتر از این در رابطه با حضرت ابوطالب (سلام الله علیه) بر این عقیده هستیم و با صراحت و قاطعیت حرف می‌زنم که حضرت ابوطالب بعد از امیرالمؤمنین افضل الصحابه و افضل التابعین هستند، اما شما آن بزرگوار را کافر می‌دانید!!

آیا حاضرید کفر ابوطالب را از کتاب‌هایتان حذف کنید که از ما چنین توقعی دارید؟! این قضیه‌ای بسیار ساده است. آیا شما حاضرید معتقد باشید که ابوطالب مؤمن از دنیا رفته است؟!

کسی خدمت امیرالمؤمنین می‌رسد و عرضه می‌دارد که شنیدیم پدرتان در آتش جهنم است. در کتاب «صحیح بخاری» چندین روایت صحیح در این خصوص آمده است.

امیرالمؤمنین فرمود: خدا دهانت را بشکند. آیا امکان دارد که من «قسیم النار و الجنة» باشم و پدرم در آتش جهنم باشد؟! من نمی‌دانم این افراد چکار می‌کنند.

ما تقاضا داریم عزیزانمان دومرتبه تاریخ را ورق بزنند. بازخوانی تاریخ یکی از اساسی‌ترین برنامه امروز دانش پژوهان ما اعم از شیعه و اهل سنت است.

شاید در کتب شیعه هم مطالبی هست که با واقعیت سازگار نیست. ما این قضیه را خیلی راحت مطرح می‌کنیم.

ما به صراحت می‌گوییم بعضی از مطالبی در کتب ما آمده است که بعضی از بزرگان ما همانند «سید نعمت الله جزائری» و دیگران آنها را آورده‌اند. ما این مطالب را قبول نداریم و علناً هم این قضیه را اعلام می‌کنیم.

بنده مناظرات زیادی با وهابیت در مکه داشتم. در یکی از این مناظرات طرف مقابل فتوکپی کتاب «انوار نعمانیه» را آورد.

بنده نزد «شیخ خالد» که یکی از شخصیت‌های برجسته مکه مکرمه است، گفتم: مرحوم آیت الله انگجی یکی از علمای بزرگ در جلد دوم این کتاب صفحه 108 صراحت دارد بر اینکه خواندن بعضی از کتاب‌های «جزائری» خلاف شرع و حرام است.

ما تا این اندازه نسبت به بعضی از مطالبی که با اعتقادات ما سازگار نیست یا با وحدت همخوانی ندارد موضع گیری می‌کنیم. آیا شما هم این موضع گیری را انجام می‌دهید یا خیر؟!

روایت صحیح «بلاذری» در به آتش کشیدن خانه حضرت زهرا (سلام الله علیها)

بعد از نقل روایت اول از «تاریخ طبری» و روایت دوم از «مصنف» اثر «ابن ابی شیبه» در جلسه گذشته، سومین روایت در کتاب «أنساب الأشراف» اثر آقای «بلاذری» است. «بلاذری» متوفای 270 هجری است و تقریباً معاصر «بخاری» و «مسلم» است.

«بخاری» متوفای 256 هجری است، «مسلم» متوفای 261 هجری است و «بلاذری» هم متوفای 270 هجری است و باهم در یک عصر بودند.

آقای «بلاذری» روایت را می‌آورد. دقت داشته باشید این کتاب «کافی» و «بحارالانوار» و «تهذیب الأحكام» نیست. در روایت آمده است:

«أن أبا بكر أرسل إلى علي يريده البيعة، فلم يبايع»

ابوبکر شخصی را نزد علی بن ابی طالب فرستاد تا برای بیعت بیاید، اما حضرت بیعت نکردند.

«فجاء عمر، ومعه قيس [فتيلة]»

عمر بن خطاب آمد، در حالی که وسایل آتش به همراه داشت.

ما نمی‌دانیم او چه وسایلی با خود آورده بود. امروز اگر برای آتش زدن جایی بروند، بنزین و نفت یا مواد منفجره با خود به همراه می‌برند.

ما نمی‌دانیم وسایل حریق آن زمان چه وسایلی بوده است. در بعضی منابع نقل شده که عمر هیزم‌های آتشین با خود به همراه داشت.

«فتلقته فاطمةُ علي الباب»

حضرت فاطمه زهرا با خلیفه دوم جلوی در رو در رو شد.

«فقال فاطمة: يا بن الخطاب، أتراك محرّقاً على بابي؟»

حضرت فاطمه زهرا فرمود: ای پسر خطاب! آمدی تا خانه مرا به آتش بکشی؟

«قال: نعم»

عمر گفت: بله، آمدم تا به آتش بکشم.

أنساب الأشراف، اسم المؤلف: أحمد بن يحيى بن جابر البلاذري (المتوفى: 279 هـ)، ج 1، ص 252،

باب أمر السقيفة

این که دیگر روایت «کافی» و «انوار نعمانیه» و مطلب «شیخ رجب برسی» و دیگران نیست که شما به آن اشکال کنید. سند این روایت صددرصد صحیح است.

یکی از راویان روایت «مدائنی» است که «یحیی بن معین» او را ثقة خطاب کرده است. همچنین در کتاب «سیر أعلام النبلاء» اثر «ذهبی» آمده است:

«المدئنی العلامة الحافظ الصادق»

در ادامه آمده است:

«قال يحيى ثقة ثقة ثقة»

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بیروت - 1413، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی،

ج 10، ص 400، ح 3

راوی بعد «مسلمة بن محارب» است که «ابن حبان» او را توثیق کرده است. راوی بعد «سليمان التيمي» است که «احمد بن حنبل» و «یحیی بن معین» و «نسائی» او را توثیق کرده است.

راوی بعد «عبدالله بن عون» صحابی است و شما معتقدید صحابه احتیاج به توثیق ندارند و غنی از توثیق هستند. این قضایا همگی نشانگر این است که این مسائل اتفاق افتاده است.

مجری:

اگر اجازه بدهید یک فاصله کوتاهی بگیریم و برگردیم. البته بینندگان عزیز هم خودشان با سبک و سیاق برنامه و منهج حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی آشنایی کامل دارند و از حب و عشقی که حضرت استاد نسبت به حضرت صدیقه کبری در دلشان دارند، آگاهند.

در مقابل وقتی به این مسائل می‌رسند و بنای بازگویی بر این مصائب می‌گذارند، به دلیل اینکه در جهت روشنگری است مشاهده می‌کنیم که از هیچ مطلبی فروگذار نمی‌شوند و تمام آنها را با دقت بررسی می‌فرمایند. ان شاءالله که بتوانیم در هر جبهه و هر جایی که هستیم، هیچوقت نگذاریم خطوط قرمز ما مخدوش شود. همانطور که از حضرت استاد آموختیم ان شاءالله در ادامه هم پیش برویم.

فاطمیه برای ما سادات

غصه قصه‌های ناگفته است

دل ما در عزای مادرمان

بیشتر از محرم آشفته است

یا مولاتی یا فاطمة أغيثيني

عرض سلام مجدد دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر».

این ایام این ویژه برنامه مزین به نام نامی حضرت صدیقه شهیده است و البته این را هم باید اضافه کنیم که مثل مابقی برنامه‌ها برای همه شما بینندگان عزیز چنین امکانی فراهم هست که با برنامه خودتان تماس بگیرید و ما صدای شما را اینجا بشنویم.

همچنین اگر تمایل ندارید که به صورت مستقیم در تماس باشید، برایتان چنین امکانی فراهم هست که با همین راه‌های ارتباطی که زیرنویس شده پیام صوتی بگذارید یا پیام متنی خود را برای ما بفرستید.

تماس بینندگان برنامه:

از این لحظه به بعد به سراغ تماس‌هایی برویم که با برنامه گرفته شده و شروع کنیم از جناب آقای بهادری که پشت خط هستند. آقای بهادری سلام عرض می‌کنم، در خدمت شما هستیم:

بیننده (آقای بهادری از کرج - شیعه):

علیکم السلام و رحمة الله. سلام مجدد دارم خدمت حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی و سید بزرگوار آقای مرعشی.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله.

اتفاقی عجیب در مسیر هجرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از مکه به مدینه!

بیننده:

بنده شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را به پیشگاه مقدس حضرت صاحب الزمان و عموم شیعیان علی الخصوص عزیزانی که در «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» انجام وظیفه می‌کنند، عرض تسلیت و تعزیت دارم.

«ابن ابی الحدید» از استادش آقای «ابوبکر جوهری» می‌پرسد: وقتی پیغمبر اکرم از مکه به طرف مدینه هجرت فرمودند، به امیرالمؤمنین دستور فرمودند که به همراه «فاطمه بنت اُسد» و حضرت فاطمه زهرا و عده‌ای از زنان بنی هاشم به طرف مدینه بیایند.

این زنان که دختر خوانده‌های رسول خدا و همسران پیغمبر اکرم هم همراه آنان بودند، فواطم بودند یعنی همگی فاطمه نام داشتند.

در مسیری که از مکه به طرف مدینه در حرکت بودند، مشرکان مکه با تعدادی سواره راه را بر امیرالمؤمنین می‌بندند و این کاروان را محاصره می‌کنند.

شخصی به نام «هبّار بن اُسود» با نیزه‌ای که در دست داشت، کجاوه حامل یکی از دختران پیغمبر اکرم که «زینب» نام داشتند را لمس می‌دهد و نیزه خود را به پرده می‌زند.

این نیزه به دختر برخورد نکرد، اما این بانو ترسید و باعث سقط جنین شش ماه در رحم مادر می‌شود.

وقتی این خبر به گوش رسول گرامی اسلام رسید، با وجود اینکه حضرت رحمة للعالمین بودند خون «هبّار» را هدر کردند و فرمودند: خون «هبّار» باید ریخته شود، ولو برای عفو به پرده کعبه چسبیده باشد.

پیامبری که از خون «وحشی» غلام سیاه که قاتل حضرت حمزه بود می‌گذرد و می‌فرماید: من تو را بخشیدم، اما جلوی من ظاهر نشو!

«ابن ابی الحدید» از استادش آقای «ابوبکر جوهری» سؤال می‌کند پیامبری که از خون «وحشی» گذشت اما خون «هبار» را مباح دانست حتی اگر به پرده کعبه چنگ بزند، آیا اگر زنده بود در مورد سقط حضرت محسن چه فرمایشی داشتند؟!

حضرت فاطمه زهرا شش ماهه حمل داشتند که در ماجرای کسانی که به خانه وحی هجوم بردند و دختر رسول خدا را با لگد بین در و دیوار قرار دادند و باعث سقط حضرت محسن شدند.

آیا اگر رسول گرامی اسلام در قید حیات بودند، در خصوص این افراد چه حکمی صادر می‌کردند؟! استاد «ابن ابی الحدید» حرف او را تأیید می‌کند و به او دستور می‌دهد که ساکت باش و حرف نزن، وگرنه زنده نخواهی ماند.

«ابن ابی الحدید» در کتاب «شرح نهج البلاغه» نقل می‌کند و می‌گوید رسول گرامی اسلام به منبر رفتند و در مسجد مدینه رو به صحابه کردند و فرمودند: ای مردم! دختر من فاطمه حمل دارد، حمل او پسر است و من نام او را محسن نهادم.

این معنا در مورد شخصیتی معتبر همانند رسول گرامی اسلام که جایگاه اجتماعی دارد، چه حکمی دارد؟! چه معنایی دارد؟!

آیا این کار متعارف است که شخصی در یک جمعی رو به دیگران کند و بگوید که دختر من حامله است، پسر ازدواج کرده و عروسم حمل دارد؟! در این صورت دیگران خواهند گفت که به ما چه ارتباطی دارد، این مسئله‌ای خانوادگی است!!

چرا رسول گرامی اسلام در زمان حیات فرمودند که دختر من فاطمه حمل دارد و من نام او را محسن گذاشتم؟!

این قضیه نشانگر این است که اصحاب رسول الله روزی که پشت در خانه رسول گرامی اسلام آمدند، می‌دانستند که حضرت فاطمه زهرا حمل دارد. علی رغم اینکه این افراد می‌دانستند، بازهم جسارت کردند و با لگد به در زدند و حضرت میان در و دیوار گیر کرد.

این افراد فحاشی کردند، تهدید کردند، در خانه حضرت فاطمه زهرا را آتش زدند، هیزم آوردند و دور تا دور منزل حضرت قرار دادند. آن‌ها صدای حضرت فاطمه زهرا در پشت در را می‌شنیدند و اطلاع داشتند که حضرت حمل دارد.

این بدان خاطر است که دیگر جای سؤال نباشد و کسی از میان افرادی که در آن هجوم دخیل بودند فردای قیامت نگوید که من نمی‌دانستم. بنابراین باید بگوییم که سقط نبود، بلکه اسقاط و به صورت عمدی بوده است.

«مسعودی» در کتاب «مروج الذهب» نقل کرده است: فاطمه را میان در و دیوار تحت فشار قرار دادند تا اینکه حضرت محسن سقط شد.

آقای «نظام» رئیس ایشان و «شیخ معتزله» هم می‌گویند که «علامه مجلسی» از ایشان نقل کرده است. عمر بن خطاب به شکم حضرت فاطمه زهرا لگد زد تا اینکه حضرت محسن را سقط کرد. آقایان به ما جواب بدهند. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

مجری:

ماشاءالله، طیب الله

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

جزاکم الله خیرا ان شاءالله. بنده از ایشان تشکر می‌کنم. شاید ایشان این روایت را از «ابن ابی الحدید» نقل کردند. بعضی از شبکه‌های وهابی برای «ابن ابی الحدید» احترامی قائل نیستند.

بنده به ایشان توصیه می‌کنم در کنار اینکه این مطلب را از «ابن ابی الحدید» نقل می‌کنید، از «سیره ابن هشام» جلد دوم صفحه 297 و کتاب «الأم» اثر «شافعی» جلد چهارم صفحه 245 هم نقل کنید.

همچنین کتاب «أنساب الأشراف» اثر «بلاذری» جلد 3 صفحه 289 این قضیه را مفصل آورده است.

«ابن حجر عسقلانی» در کتاب «الإصابة فی تمییز الصحابة» جلد 6 صفحه 525 مفصل نقل می‌کند که رسول گرامی اسلام خون «هبار بن أسود» را مباح کردند و تعبیری که ایشان نقل کردند را هم آورد که اگر از پرده کعبه هم آویزان بود، او را بکشید!

علمای اهل سنت همگی این قضایا را نقل کردند و اینها یکی دو مورد نیست. ما از این عزیزمان تشکر می‌کنیم که گاهی اوقات می‌آیند و نکات زیبایی را بیان می‌کنند.

مجری:

الحمدلله ایشان یکی از بینندگان پروپا قرص برنامه هستند و کلامی هم که دارند برای سایر بینندگان هم قابل استفاده است. تماس بعدی آقا حامد از خواف هست. آقا حامد در خدمت شما هستیم، بفرمایید:

بیننده (آقا حامد از خواف - اهل سنت):

سلام عرض می‌کنم خدمت شما و حضرت آیت الله قزوینی.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم، ممنون و متشکرم.

بیننده:

من اهل سنت هستم. بنده می‌خواستم خدمت شما عرض کنم که مقام معظم رهبری همیشه می‌فرمایند که توهین به مقدسات اهل سنت درست نیست.

بنده تصور می‌کنم جریان شهادت حضرت فاطمه زهرا از دیدگاه برادران تشیع ما و وفات آن بزرگوار از دیدگاه اهل سنت اختلافی را میان شیعه و اهل سنت ایجاد می‌کند که به نظر من شاید صلاح نباشد و خلاف گفتار مقام معظم رهبری است.

بالاخره شما می‌دانید که خلیفه دوم جزو مقدسات ما اهل سنت است و ماجرای شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) اگر به ایشان نسبت داده شود به دلیل اینکه در روایات اهل سنت چنین چیزی نیست یا قبول ندارند، شکاف ایجاد می‌شود.

به نظر بنده اصل قضیه‌ای که حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به شهادت رسیده باشند یا نرسیده باشند، در عصر ما تفاوتی ندارد. حال اگر این اتفاق افتاده باشد یا نیفتاده باشد، ما می‌خواهیم چکار کنیم؟!

ما باید سیرت آن بزرگان، سبک زندگی آنها و احادیثی که فرمودند را بیشتر در عمل خود پیاده کنیم. این که بخواهیم بگوییم چه اتفاقاتی افتاده است، شاید جز ایجاد اختلاف نتیجه دیگری به بار نداشته باشد.

گرچه بنده هم سال گذشته در «شبکه جهانی ولایت» و هم امسال در «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» مباحث مربوط به شهادت حضرت فاطمه زهرا را در کتب اهل سنت که الآن هم حاج آقا نشان دادند، دیدم.

این مطالب هست و در کتاب‌های ما وجود دارد و ما هم نمی‌خواهیم آنها را انکار کنیم، اما مجموعه علمای ما می‌گویند احادیثی که اثبات می‌کند حضرت فاطمه زهرا به شهادت نرسیدند، بیشتر است.

حال احادیثی هم موجود هست که سندیت ندارد یا در کتب اصلی ما نیست. بنده می‌خواستم حاج آقا جواب بدهند که آیا در این زمانه طرح اینگونه مباحث محل وحدت نیست؟!

بنده بر این عقیده هستم و به عنوان یک اهل سنت در اینجا می‌گویم شبکه‌هایی همانند «شبکه کلمه» یا شبکه‌هایی از این قبیل اصلاً نماینده اهل سنت نیستند. آن‌ها جز توهین و هتاک‌های هیچ حرفی برای گفتن ندارند.

بنده با احترام کامل با شبکه شما تماس گرفتم و مطمئن هستم که با احترام هم پاسخ خود را می‌گیرم. بنده بسیار خرسند هستم و بیننده شما هستم. مطالبی که کارشناسان آن شبکه‌ها می‌گویند سندیت ندارد. مجموعه اهل سنت هم چنین اتفاقی نبوده است. ضمن اینکه ما در نماز «اللهم صل علی محمد و آل محمد» می‌گوییم و از نظر ما اهلیت پیامبر محترم است و همه را قبول داریم.

بنده می‌خواستم که حاج آقای بزرگوار توضیحاتی در این زمینه داشته باشند. خیلی ممنونم، شبتان بخیر، خدانگهدار.

مجری:

آقا حامد سلامت باشید، از شما تشکر می‌کنیم. الحمدلله هم بسیار مؤدبانه و متین سؤالشان را مطرح کردند و طبیعتاً ما هم به استقبال چنین سؤالاتی می‌رویم. ان شاءالله حضرت استاد پاسخ خواهند داد.

البته همه بینندگان هم قطعاً تا اینجا بر این واقف شدند که یکی از خطوط قرمز حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی همین بحث مقدسات اهل سنت است.

ما بارها و بارها مشاهده کردیم هرجایی که قرار است به مقدسات اهل سنت توهینی صورت بگیرد، حاج آقا در صف اول و صف مقدم بودند و از این قضیه جلوگیری کردند. از طرف دیگر خطوط قرمز مختلفی وجود دارد.

ان شاء الله حضرت استاد خود آن را مفصلاً بیان می‌فرمایند و ایشان به کلام مقام معظم رهبری اشاره داشتند و مبنایی که مقام معظم رهبری دارند.

آیا طرح شهادت حضرت زهرا محل وحدت است یا این رفتارهای خلیفه دوم!!؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما از آقا حامد عزیز و افرادی هم که مثل ایشان بیننده این برنامه هستند و مؤدبانه صحبت می‌کنند تشکر می‌کنیم. ما از دور دست این عزیزان و پیشانی آنها را می‌بوسیم و به آنها که اینطور رک و مؤدبانه حرف می‌زنند افتخار می‌کنیم.

بنده چند نکته را خدمت آقا حامد عزیز عرض کنم. اولاً مقام معظم رهبری و قبل از ایشان حضرت امام خمینی پرچمدار و بنیانگذار وحدت بودند، اما در ایام فاطمیه در منزل یا حسینیه عزاداری حضرت فاطمه زهرا را انجام دادند.

بنابراین آن بزرگواران قضیه عزاداری حضرت فاطمه زهرا را محل وحدت نمی‌دانند. ما نمی‌توانیم بگوییم که ایشان از یک طرف طرفدار وحدت است و از طرف دیگر مراسم‌های دهه فاطمیه را برگزار می‌کنند.

بنده دیشب یا دو شب پیش عرض کردم که مقام معظم رهبری روزهای فاطمیه از اول جلسه تا آخر جلسه حضور پیدا می‌کنند، علی‌رغم اینکه ایشان کم‌رود دارند و می‌فرمودند: من روزی یک ساله خود را در ایام فاطمیه از حضرت فاطمه زهرا می‌گیرم.

بنابراین اینکه به فرمایش مقام معظم رهبری استناد می‌فرمایید و می‌گویید که برگزاری مراسم فاطمیه محل وحدت است، حقیقت ندارد.

ما قبل از این برنامه هم دیدیم «حاج آقا صدیقی» در محضر ایشان روضه تندی خواندند، به طوری که ما خودمان چنین روضه تندی نمی‌خوانیم.

بحث سر این است که آیا توهین است یا بیان واقعیت است. این درست شبیه زمانی است که قرآن بخوانید و با رسیدن به آیه:

(إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا)

که در رابطه با صحابه نازل شده است بگویند که این آیه محل وحدت است، زیرا صحابه را زیر سؤال برده است. صحابه خط قرمز ماست. همچنین آیه:

(فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ)

که در رابطه با «ثعلبه» که یکی از صحابه و مورد احترام همه اهل سنت است نازل شده است. او در نهایت با حالت نفاق از دنیا رفت به طوری که ابوبکر و عمر زکات او را هم قبول نکردند. آیا بیان این مسائل، محل وحدت است یا اینکه بیان حقایق ربطی به وحدت ندارد؟

نکته دیگر این است که جناب آقا حامد بزرگوار این قضیه در تاریخ اتفاق افتاده است. بیان تاریخ باید قدری واضح و روشن باشد.

صاحب کتاب «دلائل الصدق» می‌گوید که با یکی از علمای اهل سنت صحبت می‌کردیم. ایشان گفتند: امام حسین هزار و چهارصد سال قبل از دنیا رفته است، در حالی که شما هر سال مراسم و عزاداری برپا می‌کنید.

صاحب کتاب «دلائل الصدق» در جواب گفتند: ما غدیر را ساده گرفتیم و شما منکر شدید. ما می‌ترسیم که عاشورا را هم ساده بگیریم و شما بگویند که امام حسین آنفولانزا داشت و از دنیا رفت!!

همانطور که بنده عرض کردم باید مشخص شود که چرا حضرت زهراى مرضیه مورد ضرب و شتم قرار گرفت. چرا حضرت در مسجد خطبه خواندند و چرا این همه دفاع از امیرالمؤمنین کردند.

ما می‌خواهیم بگوییم همانطور که علمای اهل سنت برای حقانیت خودشان استدلال می‌کنند، این وقایع هم حقانیت ماست. این حق را به ما بدهید که ما برای اثبات حقانیت خودمان این مسائل را مطرح کنیم.

ما این مسائل را مطرح می‌کنیم تا فردا فرزندان و نسل ما فراموش نکنند که قضیه خلافت حضرت امیرالمؤمنین تمام شد و بیان کردن آن الآن فایده‌ای ندارد!

اتفاقاً اگر امروزه معتقد شویم که خلافت متعلق به امیرالمؤمنین و امام حسین و اهل بیت بوده است، فایده بیشتری دارد. شما یک مرتبه سخن امام حسین را که می‌فرماید:

«وَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بُرْمًا»

مرگ و شهادت در برابر استبداد سعادت و زندگی در زیر بار ظلم ننگ است.

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل - 1404 - 1983، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج 3، ص 114، ح

2842

حضرت به صراحت می‌فرماید که من شهادت در راه مبارزه با ستم را جز افتخار و سعادت نمی‌دانم و زندگی با ظالم را هم جز ننگ نمی‌دانم. این درست همان فرمایش امیرالمؤمنین است که می‌فرماید:

«وَكُونَا لِلظَّالِمِ خَضَمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»

همواره در برابر ظالم خروش و قیام کنید و در کنار مظلوم همدم او باشید.

نهج البلاغة، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 421، خ

47

این فرمایش را بگذارید کنار آنچه که خودتان از خلیفه دوم با سندهای معتبر و صحیح نقل می‌کنید. در شرح حال خلیفه دوم آمده است که می‌گوید:

«إن ضربک فاصبر وإن حرمک فاصبر وإن أراد أمرا ینتقص دینک فقل سمع وطاعة دمی دون دینی فلا تفارق الجماعة»

الکتاب المصنف فی الأحادیث والآثار، اسم المؤلف: أبو بکر عبد الله بن محمد بن أبی شیبة الکوفی، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - 1409، الطبعة: الأولى، تحقیق: کمال یوسف الحوت، ج 6، ص 544، ح

33711

طبق این گفته اگر حاکم اسلامی تو را مورد ضرب و شتم قرار داد و حق تو را گرفت، وظیفه تو صبر کردن است و باید بگویی دینم فدای دنیايم باد!

بحث اینکه ما از حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) مطالبی مطرح می‌کنیم و فاطمیه را احیا می‌کنیم، مقصود احیای اسلام راستین محمدی است. ما می‌خواهیم ببینیم آیا زمانی که حضرت زهراى مرضیه از دنیا رفتند، طبق این روایت:

«من مات بغير إمام مات ميتة جاهلية»

آیا واقعاً حضرت زهراى مرضیه با مرگ جاهلی از دنیا رفتند؟! شما ادعا می‌کنید که حضرت فاطمه زهرا سید زنان اهل بهشت است. این مسائل باید روشن شود.

علاوه بر این برادر بزرگواریم اگر ما از بیان حقایق در مورد حضرت فاطمه زهرا صرفنظر کردیم، آیا نسبت به خشونت‌هایی که خودتان در کتب خودتان از عمر بن خطاب آوردید هم می‌گویید که محل وحدت است یا خیر؟!

بنده یکی دو نمونه برایتان می‌آورم، اما بیش از صد مورد از این روایات دارم. «هیثمی» با سند صحیح نقل می‌کند که آقای عمر بن خطاب شنید خواهر و شوهر خواهرش مسلمان شده‌اند.

او شروع به ضرب و شتم آنها کرد به طوری که سر خواهرش را شکست و خون از سر او جاری شد. آیا این توهین به خلیفه دوم هست یا خیر؟!

همچنین در کتاب «فضائل الصحابة» نقل شده است که وقتی عده‌ای از مکه به طرف حبشه هجرت می‌کردند، خلیفه دوم می‌گوید: چرا می‌روید؟

«والله لنخرجن فی أرض الله آذیتونا وقهرتمونا حتی يجعل الله لنا مخرجا»

به خدا سوگند اذیت‌ها و شکنجه‌های شما به کسانی که مسلمان شدند باعث شد تا ما هجرت کنیم.

بنده عذر می‌خواهم، ما این تعبیر را به کار نمی‌بریم و بنده حتی نقل آن را هم صحیح نمی‌دانم. در ادامه روایت نقل شده است که «أم عبدالله بنت أبي حصمة» نقل می‌کند که وقتی من این قضایا را گفتم، عمر بن خطاب متأثر شد.

«اطعمت فی إسلامه»

امیدوارم که عمر بن خطاب مسلمان شود.

لازم به ذکر است که عمر بن خطاب تا سال دهم مسلمان نبود و مسلمانان را شکنجه می‌کرد. ایشان در ادامه می‌نویسد:

«لا يسلم الذی رأیت حتی یسلم حمار الخطاب»

فضائل الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت

- 1403 - 1983، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. وصی الله محمد عباس، ج 1، ص 279، ح 371

بنده اصلاً نمی‌توانم این عبارت را ترجمه کنم. آقا حامد عزیز شما خودتان این عبارت را ترجمه کنید و ببینید که عبارتی که در کتاب «فضائل الصحابة» آمده است توهین به خلیفه نیست و تنها قضیه حضرت فاطمه زهرا توهین به خلیفه می‌شود؟!

برخوردهای خشن عمر بن خطاب با رسول گرامی اسلام هم در کتب صحیحین نقل شده است. در کتاب «صحیح بخاری» عبارتی در این خصوص آمده که اگر توهین است، شما این عبارات را از کتاب «صحیح بخاری» حذف کنید.

در روایت آمده است که «عبدالله بن اُبی» از دنیا رفت. پیغمبر اکرم بر جنازه او حاضر شدند، در حالی که عمر بن خطاب اعتراض می‌کند و می‌گوید:

«أَنْصَلِّي عَلَى بَنِ أَبِي»

آیا بر عبدالله بن اُبی نماز می‌خوانی؟!

او در ادامه می‌گوید که او در فلان روز فلان مطلب و فلان مطلب را گفت. پیغمبر اکرم فرمودند:

«أَخْزُ عَنِّي يَا عُمَرُ»

عمر بن خطاب برو کنار.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 1، ص 459، ح 1300

سپس گفتند که فلان آیه نازل شده است. همچنین در روایت دیگری آمده است که عمر بن خطاب می‌گوید من لباس پیغمبر اکرم را گرفتم و کشیدم و گفتم:

«أَلَيْسَ اللَّهُ نَهَاكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى الْمُنَافِقِينَ»

آیا خداوند بر شما نهی نکرده و نگفته است که بر منافقین نماز نخوانید؟!

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 1، ص 427، ح 1210

یعنی پیغمبر اکرم نمی‌فهمد، اما عمر بن خطاب می‌فهمد!! بنده عذرخواهی می‌کنم اگر ماجرای شهادت حضرت فاطمه زهرا را هزار برابر هم کنار بگذارید، از نظر اهانت به اندازه این روایت نیست.

عمر بن خطاب به صراحت خطاب به پیغمبر اکرم می‌گوید که مگر خداوند به شما نهی نکرده است بر منافقین نماز نخوانید، چرا شما بر منافقین نماز می‌خوانید!!! نستجیر بالله او خطاب به پیغمبر اکرم می‌گوید که شما وحی را نفهمیدید، من می‌فهمم!

بنده بیش از صد روایت در خصوص خشونت‌های خلیفه دوم در صحیح‌ترین کتب اهل سنت اعم از «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» و دیگر کتب صحاح نقل شده است.

در بعضی از منابع نقل شده است که عمر بن خطاب می‌گوید: من از اینکه اینطور به پیغمبر اکرم جسارت کردم، خودم از جسارت خودم تعجب کردم.

آقا حامد بزرگوار این موارد یک مورد و دو مورد و سه مورد نیست. اگر شما این موارد را خلاف می‌دانید، آن‌ها را از کتاب‌هایتان حذف کنید.

اگر این مطالب را ما نقل کردیم مخل وحدت است، اما اگر شما این مطالب را در کتاب‌هایتان آوردید عین وحدت است؟! این‌ها مسائلی است که اتفاق افتاده است. ما در خدمت شما هستیم.

مجری:

سلامت باشید، خیلی زیبا بیان کردید. الحمدلله آقا حامد هم احتمال زیاد پاسخشان را گرفتند.

حضرت استاد بازهم تأکید کردند دعب بر این ندارند که این نوع بیان‌ها مطرح شود، اما در چنین جایی که رکن رکین مسلمان بودن و خط قرمز هست و خوف تحریف وجود دارد باید این مطالب مطرح شود.

همانطور که حضرت استاد اشاره فرمودند در جریان غدیر ممکن بود و بعد هم چنین کار و تحریف‌هایی انجام شد.

در همین جریان هم بارها و بارها ما در شبکه‌های وهابی ملاحظه می‌کنیم که به همین مناسبت شهادت حضرت فاطمه زهرا وهابیت روایاتی را با تحریف و تحلیلی غلط مطرح می‌کنند.

همانطور که آنها روایت «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي» را با تحریف خودشان بیان می‌کنند و داستان‌هایی می‌سازند که اگر این نوع روشنگری‌های حضرت استاد نباشد، خدای ناکرده به جاهایی می‌رسد که نباید برسد.

آقا علی کرمی پشت خط هستند. آقا علی در خدمت شما هستیم، بفرمایید:

بیننده (آقای علی کرمی - شیعه):

سلام علیکم.

مجری:

سلام علیکم و رحمة الله.

بیننده:

عرض تسلیت دارم خدمت شما سیدان بزرگوار و تمام شیعیان و محبین اهل بیت. سؤالی که داشتم این است که در خصوص روایاتی که در مورد پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هست، حضرت برای بیعت گرفتن هیچگاه به عدهای فشار آوردند یا خیر؟!

آیت الله قزوینی دو شب پیش لطف کردند و فرمودند که پیغمبر اکرم برای اسلام آوردن فشار نیاوردند. بنده می‌خواستم بدانم که حضرت برای بیعت گرفتن هم فشار آوردند یا خیر؟!

مجری:

بیعت با پیغمبر اکرم؟

بیننده:

بله. آیا پیغمبر اکرم به عدهای افراد فشار آوردند تا آنها بیعت کنند؟!

مجری:

بسیار خوب، ان شاء الله سؤال شما را مطرح خواهیم کرد. آقا علی از تماس شما تشکر می‌کنیم. ان شاء الله برنامه را دنبال کنید تا پاسخ سؤال خود را دریافت کنید.

سؤال این بود که حضرتعالی دو شب پیش جریان بیعت با پیغمبر اکرم را مطرح فرمودید، آیا تمامی این افراد با رضایت خاطر و طیب نفس به سمت اسلام آمدند و رو آوردند یا کسی هم بوده که با فشار و زور شمشیر بخواهد مسلمان شود؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آقای کرمی بزرگوار شما یک مورد در تاریخ به ما نشان بدهید که رسول گرامی اسلام در طول بیست و سه سالی که در مکه و مدینه بودند، یک نفر را به زور دعوت به اسلام کنند و بگویند که اگر اسلام نیاوری گردن تو را می‌زنیم!!

در زمان پیغمبر اکرم هشتاد و سه یا هشتاد و چهار جنگ یا غزوه صورت گرفته است. شما یک مورد به ما نشان بدهید که این جنگ ابتدایی بوده و دفاعی نبوده است. این اصلاً با منطق قرآن کریم سازگار نیست، همانجا که می‌فرماید:

(لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ)

در قبول دین، اکراهی نیست.

سوره بقره (2): آیه 256

اگر پیغمبر اکرم هم به زور کسی را به اسلام وادار کنند، برخلاف فرموده قرآن کریم است. قرآن کریم می‌فرماید:

(إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا)

ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا کفران کند.

سوره انسان (76): آیه 3

در عین حال در برابر کسانی که با اسلام می‌جنگند و پیشوایان کفر و نفاق هستند، می‌فرماید:

(فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ)

با پیشوایان کفر بیکار کنید چرا که آنها پیمانی ندارند، شاید دست بردارند.

سوره توبه (9): آیه 12

یا:

(وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ)

و آنها را [بت‌پرستانی که از هیچ گونه جنایتی ابا ندارند] هر کجا یافتید، به قتل برسانید!

سوره بقره (2): آیه 191

کسانی که توطئه و جنایت می‌کنند و می‌خواهند اسلام را از بین ببرند. زمانی که پیغمبر اکرم قدرت پیدا کردند، با این افراد مواجهه کردند.

علاوه بر این مشاهده کنید بعد از فتح مکه «ابوسفیان» و «معاویه» و دیگران بیست و یک سال تمام با اسلام جنگیدند. منافقین سیزده سال در مکه و هشت سال در مدینه با اسلام جنگیدند.

رسول گرامی اسلام این حق را داشتند که آنها را به قتل برسانند. آن‌ها حضرت حمزه و هفتاد و یک نفر از یاران رسول الله را به شهادت رساندند. در مقابل حضرت به جای اینکه انتقام بگیرند که حق مسلم خودشان بود، فرمودند:

«أَنْتُمْ الطَّلَاءُ»

سنن البیهقی الکبری، اسم المؤلف: أحمد بن الحسين بن علی بن موسی أبو بکر البیهقی، دار النشر:
مکتبه دار الباز - مکه المکرمة - 1414 - 1994، تحقیق: محمد عبد القادر عطا، ج 9، ص 118، ح

18055

رسول گرامی اسلام خانه ابوسفیان را مأمن قرار دادند و فرمودند: هرکسی وارد خانه أبو سفیان شود در امان است.

رسول گرامی اسلام این رحمت را داشتند. حضرت همچنین در جنگ حنین هم عمده غنائم را در اختیار بنی امیه و قریش قرار دادند، به طوری که بعضی از مسلمانان مدینه به پیغمبر اکرم اعتراض کردند و گفتند که نستجیر بالله عدالت را رعایت نکردید!

حضرت فرمودند که من برای تألیف قلوب این امکانات را در اختیار آنها قرار دادم. شما یک مورد به ما نشان بدهید که پیغمبر اکرم دستور دادند فلان شخص مسلمان نشده است و صحابه هم در خانه او رفته باشند و بگویند اگر مسلمان نشوی خانهات را آتش می‌زنیم!

بحثی ک بنده در فاطمیه دوم آن را مطرح خواهم کرد، این است که در بعضی روایات نقل شده است کسانی که در نماز جماعت نیایند و بترسند که من خانه‌هایشان را آتش می‌زنم، در رابطه با منافقینی است که توطئه می‌کردند و دنبال تفرقه مسلمانان بودند.

بحث نماز نبود بلکه آن‌ها می‌گفتند که ما ابتدای روز می‌گوییم که ایمان آوردیم، اما آخر روز می‌گوییم که کافر شدیم. این باعث می‌شود که اعتقادات مسلمانان تضعیف شود.

پیغمبر اکرم با این افراد برخورد کردند، همچنانکه اسلام با توطئه چینی مواجه می‌کند. من در خدمت شما هستم.

مجری:

بسیار از حضرتعالی ممنون و متشکریم. الحمدلله عزیزان هم پاسخشان را گرفتند. به اقتضای وقتی که هست و برنامه‌ای که چیده شده تماس‌هایی که گرفته شد تا همین جا کفایت می‌کند. از عزیزانی که نتوانستیم پاسخگویشان باشیم، عذرخواهی می‌کنیم.

همانطور که مطلع هستید و دیدید این شب‌ها حضرت استاد بیاناتی راجع به موضوع برنامه به زبان آذری و ترکی دارند برای آذری زبان‌های ایران.

عزیزانی که در کشورهای همجوار اعم از روسیه و آذربایجان و ترکیه و گرجستان هستند می‌توانند که پای گیرنده‌ها بنشینند و با زبان مادری خودشان این برنامه را مشاهده بفرمایند. ان شاءالله همه این برنامه‌ها مرضی درگاه حضرت صدیقه شهیده باشد.

با گریه عقده از دل من وا نمی‌شود

زخم جگر به اشک مداوا نمی‌شود

تا دست من ورم نکند از غلاف تیغ

بند ستم ز دست علی وا نمی‌شود

شرمنده‌ام ز شوهر مظلوم خود علی

دست شکسته حامی مولا نمی‌شود

بر روی قبر من بنویسید دوستان

سیلی زدن مودت زهرا نمی‌شود

سقط جنین و سیلی و سرو غلاف تیغ

این احترام أم ابيها نمی شود

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته